

امام حسین^ع و جامعه بحران‌زده



سیدهدادی عظیمی

عضو شورای مرکزی

انجمن اسلامی معلمان ایران

رفتار امام حسین (ع) در حادثه عاشورا یکی از الهام‌بخش‌ترین رفتارها در طول تاریخ بوده است. عاشورا و نقشی که امام حسین در یک منزل مهم تاریخ ایفا می‌نماید، جنبه‌های مختلفی دارد. حادثه عاشورا نقطه آغاز برای نوعی از زیستن است و همین باعث می‌شود که عاشورا بیش از آنکه یک روزباشد، یک نوع فلسفه زیستن است.

امام حسین در ابتدای دهه هفتم هجری، به‌عنوان تنها‌نوه پسر باقی‌مانده از پیامبر(ص) و بزرگ‌ترین فرزند امام علی(ع) مهم‌ترین و شریف‌ترین شخصیت زمان خود بوده است. رفتار شخصیت‌های این چنین در زمانه خودشان می‌تواند موجب شکل‌گیری رویکردهای مختلف در برخورد با شرایط زمانه باشد. در زمان امام حسین نیز شرفا و بزرگان هر یک روش‌های متفاوتی برگزیدند. در آیات مختلف قرآن کریم به پیامبرانی اشاره می‌شود که در جوامع درگیر بحران‌های مختلف ظهور کرده‌اند و نسخه‌ای برای درمان این بحران در زمان خود ارائه داده‌اند. حضرت ابراهیم در زمانه بحران بت‌پرستی، حضرت موسی در زمانه اوج کفر، حضرت عیسی در زمانه اوج خرافه و بدزیستی و پیامبری همچون شعب در زمانه‌ای با فساد اقتصادی ظهور می‌کنند و برای اصلاح جامعه تلاش می‌کنند. دعای وارث یکی از مهم‌ترین دعاهایی است که سلسله حقیقت‌ورزی پیامبران تا پیامبر و از پیامبر تا امام حسین را نشان می‌دهد. دعای وارث به میراثی اشاره دارد که از پیامبران و صلحا در هر جامعه‌ای به نسل‌های بعد منتقل می‌شود. این میراث، رسالتی است که آگاهان هر جامعه، در برابر بحران‌های جامعه بر دوش دارند تا راهی برای اصلاح بجویند و گامی برای اصلاح بردارند.

جامعه اسلامی در ابتدای دهه هفتم هجری قمری جامعه‌ای بحران‌زده است؛ جامعه‌ای که شش دهه پس از شکل‌گیری جامعه اسلامی با بحران استحال‌ه روبه‌رو شده است. به‌رغم تلاش‌های امام علی که برای برپایی جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و تقوا انجام داد، حکومت بیست‌ساله معاویه پایه‌های شکل‌گیری جامعه‌ای غیردینی در لوای اسلام را محکم کرد.

حکومت دوده‌های معاویه راوینی قدرتمندانه از اسلام را تثبیت کرد که اطاعت از قدرت را به جای اطاعت از خدا نشانده بود. خلافت معاویه در جامعه اسلامی به مثابه دستیابی مخالفان اولیه اسلام به جایگاه

دوشنبه ۱۶ تیر ۱۴۰۴
سال چهارم • شماره ۸۲۶
www.hammihanonline.ir

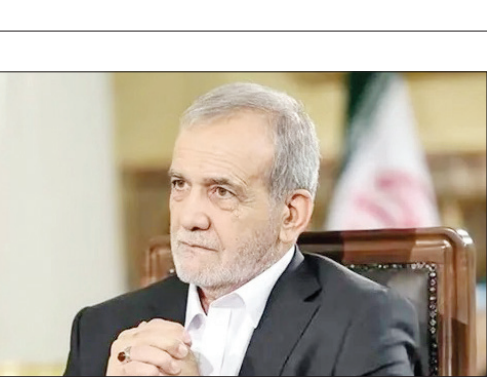
اما این، تنها شگفتانه جمهوری اسلامی ایران در روز شنبه نبود، هم‌زمان با نقش آفرینی فرمانده کل قوا که آن را می‌توان پاتک میدان به دشمن خواند؛ در عرصه دیپلماسی نیز شاهد یک رویداد مهم و شگفتانه خبری بودیم. تأثیرگذارترین چهره رسانه‌ای حال حاضر ایالات متحده آمریکا که آن را پایه‌گذار رسانه‌ای پیروزی ترامپ می‌خوانند و در عرصه بین‌المللی نیز چهره‌ای شناخته‌شده است و مصاحبه بلند او با ولادیمیر پوتین نیز رکورد تاریخی در جلب مخاطب داشت و کارهایش مورد توجه افکارعمومی داخلی آمریکاست، با رئیس‌جمهوری ایران نشست و گفت‌وگوی مستقیم داشت و پیش‌خبر آن در روز شنبه توسط رسانه‌های داخلی و خارجی رومایی شد و بالاخره با درج پوستر مصاحبه توسط تاکر کارلسون رومایی شد. اینکه به در خواست این مجری شاخص آمریکایی درست در شرایط شبهه‌جنگی میان ایران و ایالات متحده آن‌هم با توجه به حساسیت‌های همیشگی و انگاره‌های تشدیدشده اخیر، پاسخ مثبت داده می‌شود و رئیس‌جمهوری ابایی از نشستن در برابر او و پاسخ به سوالاتش ندارد، خود از اهمیت بسزایی در این شرایط بر خودار است. البته که کارلسون گفته سوالاتی که می‌دانستم جوابی نخواهد داشت، نپرسیده‌ام. اما نفس برگزاری این مصاحبه در این شرایط آن‌هم با توجه‌به تصریح مجری از عدم پذیرش چندماده نتانیاهو برای قبول گفت‌وگو، پیامی واضح و اثرگذار در بُعد دیپلماسی رسانه‌ای برای افکارعمومی داخلی آمریکا دارد و آنان فراتر از جوسازی‌های همیشگی جریان اصلی رسانه‌ای در زمینه ایران‌هراسی در این بزنگاه حساس با گفتار و حرف‌های طرف ایرانی آشنا می‌شوند و این می‌تواند تأثیر بسزایی در شکل‌گیری معادلات پیش رو داشته باشد. البته که در داخل طیف همیشه طلبکار و مدعی، بر خلاف منافع ملی، تخریب دولت را از سر گرفته‌اند؛ اما نکته آن است که در سطوح عالیه کشور در دو عرصه میدان و دیپلماسی با هماهنگی و انسجامی موزن کارها پیش می‌رود و در برابر دشمن غدار این بهترین راهبرد و موثرترین راهکار است.



🔴 ۲۵ سال پس از «آتش افروزی داخلی» سوم تیرماه ۱۳۸۴ در یامداد سوم تیرماه ۱۴۰۴، «آتش بس خارجی» شکل گرفته است؛ انتظار می‌رود با بازگشت مقام رهبری به مجامع عمومی که با سالروز انتخابات ۱۵ تیرماه ۱۴۰۳ هم‌زمان شد، شاهد تقویت و تثبیت روند شکل‌گرفته «آتش بس داخلی» در یک سال اخیر و ارتقای آن به «سیاست ملی» باشیم. کنترل و به حاشیه راندن جریان‌های تندرو که مدعی وفاداری به نظام سیاسی هستند و بارها و بارها طلبکاری خود را ابراز و اعلام کرده‌اند، ضرورت شکل‌گیری چنین سیاستی است. تندروهایی که با «خالص‌سازی در داخل» و «تنش‌زایی در خارج»، عملابرای کشور و حتی نظام سیاسی «بن‌بست‌سازی» کرده‌اند.

در تلاقی میدان و دیپلماسی را رونمایی کرد و نشان داد که برای خنثی‌سازی اقدامات و تحرکات دشمن بیکار ننشسته و چنته خالی ندارد.

در طول دو هفته اخیر، خط خبری پررنگ رسانه‌های وابسته به دشمن مانور رسانه‌ای پرحاشیه روی عدم‌حضور رهبر انقلاب در محافل رسمی و غیبت ایشان از انتظار عمومی بود. آنان با یزرکنمایی و تکیه و تأکید بر این موضوع بیش و پیش از هر چیزی درصدد القای این نکته بودند که ایران توانایی حراست و صیانت از عالی‌ترین مقام سیاسی و مذهبی خود در برابر تهدیدات دشمن را ندارد و دستان آن بسته است. هر روزی که می‌گذشت، بر دامنه این تبلیغات منفی و بر جو روانی آن افزوده می‌شد. حتی مراسم برگزاری روضه رهبری در حسینیه امام خمینی هم بدون حضور ایشان، دشمن را گستاخ‌تر و تمرکز جنگ روانی آنان روی این موضوع را افزون‌تر کرد و صحنه بیش از همیشه برای پاتک هوشمندانه، حساب‌شده و باطل السحر همه تبلیغات دشمن و نتیجه‌دهی معکوس همه صحنه‌آرایی آنان فراهم شد. درست در شب عاشورا در حالی که مراسم در حال برگزاری بود و هیچ‌کس انتظارش را نداشت، فرمانده کل قوا از پشت‌پرده حسینیه رخ نمود و همگان از دوست و دشمن را در بهت و حیرت فرو برد. دشمن اسیر و منکوب سناریونویسی شد که بدلش را در تهران نوشته بودند و آغازگر آنان بودند و پایان دهنده‌اش آیت‌الله خامنه‌ای در حسینیه تاریخی آن‌هم در شب عاشورای حسینی. با این رونمایی حساب‌شده و سنجیده، همه‌چیز دست به دست هم داد تا بیش و پیش از هر زمان دیگری مقوله انسجام داخلی و اتحاد ملی حول محور کانونی شاکله‌بخش سیاسی و نظامی کشور شکل گیرد و از همه جالب‌تر آنکه شخص رهبری از مداح معروف خواست که قطعه بسیار مورد توجه و حماسی «ای ایران» را دوباره خوانی کند و واکنش ایشان در این زمینه هم بسیار مورد توجه رسانه‌های مختلف داخلی و خارجی قرار گرفت. در واقع، یازل به یازل این رونمایی حساب‌شده و فکوره‌انده به‌ونه اجرا گذاشته شد و خود‌به‌مثابه عملیاتی مستقل و تأثیرگذار حداقل در بُعد جنگ روانی و رسانه‌ای بود.



🔴 ۲۵ سال پس از «آتش افروزی داخلی» سوم تیرماه ۱۳۸۴ در یامداد سوم تیرماه ۱۴۰۴، «آتش بس خارجی» شکل گرفته است؛ انتظار می‌رود با بازگشت مقام رهبری به مجامع عمومی که با سالروز انتخابات ۱۵ تیرماه ۱۴۰۳ هم‌زمان شد، شاهد تقویت و تثبیت روند شکل‌گرفته «آتش بس داخلی» در یک سال اخیر و ارتقای آن به «سیاست ملی» باشیم. کنترل و به حاشیه راندن جریان‌های تندرو که مدعی وفاداری به نظام سیاسی هستند و بارها و بارها طلبکاری خود را ابراز و اعلام کرده‌اند، ضرورت شکل‌گیری چنین سیاستی است. تندروهایی که با «خالص‌سازی در داخل» و «تنش‌زایی در خارج»، عملابرای کشور و حتی نظام سیاسی «بن‌بست‌سازی» کرده‌اند. طیفی که طی دو دهه گذشته روزبه‌روز قدرتمندتر شده‌اند و با حذف و به حاشیه راندن نیروهای ریشه‌دار و ملی و حتی بزرگان نظام، کشور را از سوم تیرماه ۱۳۸۴ به نقطه سوم تیرماه ۱۴۰۴ رساندند. اگر نگاهی ملی حاکم باشد، شأنیه نفوذ را در این جریان باید پررنگ دید و هرچه سریع‌تر، دسترسی‌ها و امکانات آنان را برچید. پیشسرد این سیاست، از سطح رئیس‌جمهور و سران قوا بالاتر است و به همین جهت است که مخاطب انتظارات و مطالبات طیف متنوعی از نیروهای سیاسی در این زمینه، عالی‌ترین مقام نظام، سیاسی است.

🔴 سطح تحلیل سوم: کلان (سیاست فراملی)

اما بازگشت قطعی ثبات و امنیت به ایران، صرفاً با حل چالش‌های درونی و حتی شکل دادن انسجام داخلی مبتنی بر رویکردهای ملی و دموکراتیک محقق نمی‌شود. اگر نظام سیاسی در جریان این جنگ ۱۲ روزه فرصت یافت تا قدر ملت و قریبه‌به‌اتفاق نیروهای سیاسی -فکری را بشناسد و برای بقای خود و فراتر از آن ایران، در جهت «سیاست ملی» گام بردارد، در مقابل، برای بخش مهمی از جامعه و مخالفان و ناراضیان سیاسی نیز، جنگ ۱۲ روزه فرصتی شکل داد که در آن، واقعیات مناسبات بین‌الملل و جدیت بیگانگان در سستیز با ایران (فراتر از نظام سیاسی حاکم بر آن) را در یابند و حتی به دفاع از برخی رویکردهای نظامی-امنیتی برخیزند. البته، پیش از این هم در ایوزبیسون قانونی چهره‌هایی چون شادروان ابراهیم یزدی بودند که از سال‌ها قبل (و به‌ویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر) از جدی بودن پروژه آمریکا برای «خاورمیانه جدید» و نقش‌کلیدی تندروهای اسرائیل در پیشبرد آن و نیز نقش موثر جریانات نفوذ داخلی سخن می‌گفتند که متأسفانه نه‌فقط از سوی نظام سیاسی جدی گرفته نشد، بلکه شخصیت‌هایی ملی و با سابقه روشن در انقلاب همچون ابراهیم یزدی و عزت‌الله سحابی و حبیب‌الله پیمان با عنوانی چون «براندازی خاموش» با بر خورد و بازداشت‌های طولانی مواجه شدند. امروز که نزدیک به هشت سال از درگذشت دکتر یزدی می‌گذرد، روشن شده است براندازان واقعی کدام‌اند و دلسوزان اصیل ملک و میهن و مخالفان منصف نظام سیاسی کدام. پس از حملات هفتم اکتبر ۲۰۲۳ نیز، چهره‌هایی چون عبدالله شهبازی و احمد زیدآبادی بودند که ابعادی پنهان و پروژه‌های گسترده در پس آن رخداد می‌دیدند و پیش‌بینی‌هایی کردند که گرچه بر خلاف روایت رسمی و حتی نظرات عموم کارشناسان روابط بین‌الملل بود؛ اما تا حد زیادی همان رخ داد که آنان گمان می‌کردند. باین‌حال، حمله ۲۳ خردادماه

هدایت‌کننده جامعه اسلامی بود. تلاش معاویه برای تثبیت حکومتی پادشاهی و شکل دادن روایتی متفاوت از سیره پیامبر اسلام بر مبنای روایت قدرتمدارانه از اسلام بود خلفای پس از پیامبر خود را خلیفه رسول می‌نامیدند ولی معاویه خود را خلیفه خدا خواند و کوشید رویکردهای جدیدی در عرصه عقیدتی بنا کند. امام حسین در این زمانه در جایگاه طالب جایگاه خلافت نبود بلکه در جایگاه پاسدار حقیقت در برابر جامعه بحران‌زده ظهور کرد. عاشورا نقطه اوج تداخل دو روایت مختلف از اسلام بود؛ روایت قدرت که حق را قدرت می‌بیند و دین را در خدمت قدرت می‌داند و روایت حقیقت که بر اصالت حقیقت در دین تأکید دارد.

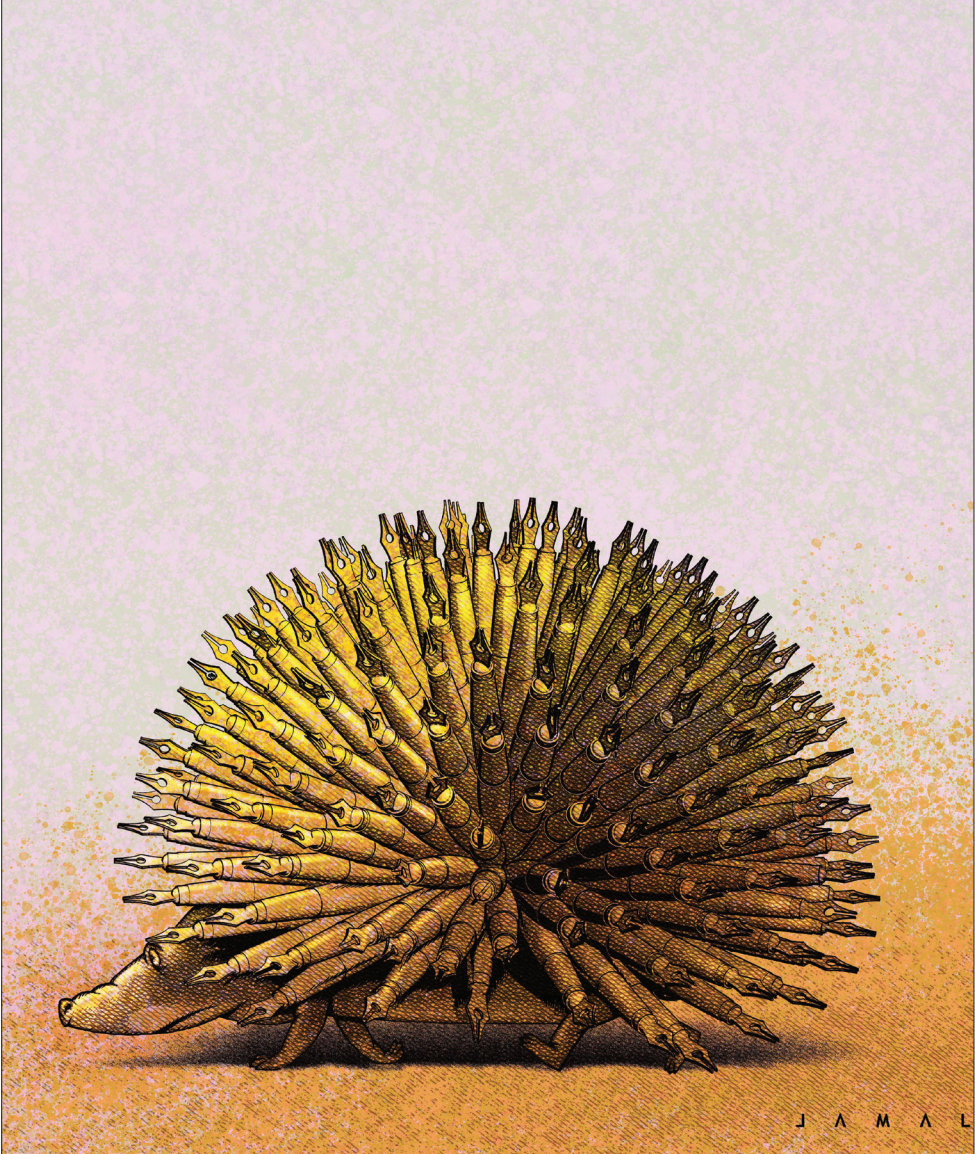
روایت قدرت در جامعه دهه شصت هجری در حال تثبیت کامل و از میدان به در برن روایت حقیقت بود. روایت قدرت با زیرکی و زکاوت معاویه به روایت اصلی جامعه تبدیل شده بود. جامعه اسلامی در ظاهر آرام به نظر می‌رسد ولی در واقع بحران‌زده است. در چنین شرایطی امام حسین برای نشان دادن بحران جامعه و در دفاع از روایت حقیقت به میدان وارد می‌شود. ناتمام گذاشتن حج توسط امام حسین نمونه بارز روایت حقیقت برای هشدار دادن نسبت به جامعه بحران‌زده است تا جامعه را نسبت به شرایط آگاه سازد و زمینه را برای گسترش دعوت به مقاومت در برابر روایت حقیقت فراهم سازد. امام حسین به عنوان نماینده حقیقت به حاجیان نهیب می‌زند که حقیقت در زیر چنگال‌های قدرت اسیر است و در این شرایط مهم‌تر از حج، مقاومت در برابر قدرت است.

این منظر نگرش به قیام امام حسین موجب می‌شود که کربلا از یک صحنه تصادم میان امام حسین و یزید به صحنه‌ای جهانی میان روایت قدرت و روایت حقیقت تبدیل شود؛ روایتی که می‌خواهد حقیقت را سرکوب کند. روایت حقیقت در میانه همه معضلات و مصایب پرچم حقیقت را سرپا نگه می‌دارد، در مهم‌ترین لحظه‌ای که جامعه در حال خو کردن با بحران و تبدیل بحران به وضعیت مطلوب قرار دارد، ستاره‌ای ظهور می‌کند و راهی نشان می‌دهد.

جامعه بحران‌زده زمان امام حسین نیازمند راه بود تا جامعه به بحران خویش پی ببرد؛ جامعه‌ای که حقیقت زیر سایه قدرت است و اطاعت از خلیفه جای اطاعت از خدا نشسته است. از منظر حقیقت دین مبتنی بر قدرت تفاوتی با جاهلیت ندارد. هشدارهای امام حسین در مورد شرایط دین در زمانه‌اش نمونه بارز چنین رویکردی است. امام حسین به عنوان وارث حقیقت در زمانه‌اش مسیری را رفت که رسالت خود را نه‌فقط در برابر جامعه زمان خود که در برابر همه تاریخ انجام دهد؛ شهیدی که الگویی برای همه حقیقت‌جویان شد و نشان داد که باید همواره حقیقت را پاس داشت.

جمال رحمتی

پاسداشت روز قلم



J A M A L